



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

عقيدة صحيح

فارسی

فارسي

العقيدة الصحيحة



کمیته علمی اداره امور دینی مسجد الحرام و مسجد نبوی

العَقِيدَةُ الصَّحِيحَةُ

عقيدَةُ صحيح

اللَّجْنَةُ الْعِلْمِيَّةُ

بِرَّأْسَةِ الشُّؤْنِ الدِّيْنِيَّةِ بِالمَسْجِدِ الحَرَامِ وَالمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ

كَمِيَّتُهُ عِلْمِي اِدَارَةُ اُمُور دِيْنِي مَسْجِدِ الحَرَامِ وَ مَسْجِدِ نَبَوِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقیده صحیح

کمیته علمی اداره امور دینی مسجد الحرام و مسجد نبوی

به نام الله بخشنده‌ی مهربان

ستایش از آن الله پروردگار جهانیان است، و گواهی می‌دهم که هیچ معبودی به حق جز او نیست، او یکتاست و شریکی ندارد؛ و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. درود خدا بر او، بر خاندان و اصحابش، و بر تابعین آنان که تا روز قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

اما بعد؛

الله متعال ما را در این زندگی دنیا برای هدفی والا و شریف آفریده است؛ و آن هدف چیزی نیست جز عبادت او به یگانگی و اقرار به توحید او، چنانکه الله سبحانه می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ

وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿٥٧﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾

(و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند) [و از بندگی دیگران سر باز زنند].

نه از آنان روزی می‌خواهم، نه اینکه مرا خوراک دهند؛

[زیرا] الله است که روزی‌رسانِ نیرومند و برقرار است).
[الذاریات: ۵۶-۵۸].

پس این همان هدف از آفرینش است که الله متعال برای آن خلقت را انجام داد، کتاب‌ها را نازل کرد، پیامبران را فرستاد، بهشت و جهنم را آفرید و مردم را به دو گروه تقسیم نمود؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿...فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾

(گروهی بهشتی‌اند و گروهی در آتش سوزان). [الشوری: ۷].

- توحید اصل دین است که الله از اولین‌ها و آخرین‌ها دینی جز آن را نمی‌پذیرد، و این راز قرآن و جوهر ایمان است.

- و توحید دین اسلام است، و آن ایمان و هدایت است، و تقوا و نیکی است.

الله سبحانه و تعالی آن را اسلام نامید، الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...﴾

(در حقیقت، دین [پسندیده] نزد الله همان اسلام است...). [آل عمران: ۱۹]، و الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾

(هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است). [آل عمران: ۸۵].

و آن را ایمان نامید، الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبرش ایمان

بیاورید...). [النساء: ۱۳۶]، و فرمودند:

﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا...﴾

(ای مؤمنان، به اهل کتاب [بگوئید: «ما به الله ایمان آورده ایم و به آنچه بر ما نازل شده است...»). [بقره: ۱۳۶].

و آن را هدایت نامید، الله متعال می فرماید:

﴿...وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَىٰ﴾

(و [موجبات] هدایت، از جانب پروردگارشان به آنان رسیده است). [نجم: ۲۳].

و آن را تقوا نامید؛ الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ...﴾

(ای کسانی که ایمان آورده اید، از الله پروا کنید...). [البقره: ۲۷۸]، و فرمودند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ...﴾

ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید...». [النساء: ۱].

و آن را نیکوکار نامید، الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿...وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾

(بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز قیامت ایمان آورد).

[البقره: ۱۷۷].

- و گواهی توحید اولین چیزی است که بنده با آن وارد اسلام می شود، پس می گوید: گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله، و گواهی می دهم که محمد فرستاده الله است.

- و الله متعال همه پیامبران را با دعوت به توحید فرستاده است؛
الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾^(۴۵)

(و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: «معبودی [به حق] جز من [= الله]

نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید). [انبیاء: ۲۵]. و فرمودند:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
الطَّاغُوتَ...﴾

(و یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که:
«الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری
کنید...»). [نحل: ۳۶]. و نوح علیه السلام به قومش فرمود:

﴿...أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...﴾

(...الله را عبادت کنید که جز او معبودی [به حق] ندارید...).
[الأعراف: ۵۹]، و هود و صالح و شعیب و دیگران نیز همین سخن
را به اقوام خود گفتند.

- و توحید وحی الله به پیامبران گرامی اش است، خداوند سبحان
فرموده است:

﴿يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ
أُنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿٢﴾﴾

([الله] به فرمان خویش فرشتگان را با وحی بر هر یک از
 بندگان که بخواهد نازل می‌کند [با این پیام] که: «ای پیامبران،
 مردم را از شرک به الله [بیم دهید] و به آنان بگویید که [معبودی
 به حق] جز من نیست؛ پس [ای مردم،] از من پروا کنید».)
 [النحل: ۲].

روح همان وحی است، و گفته شده: نبوت.
 و این امر را برای رسولش ﷺ تا هنگام مرگ همراه گردانید،
 چنانکه الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾^(۹۹)

(و تا هنگامی که مرگت فرامی‌رسد پروردگارت را عبادت کن).
 [الحجر: ۹۹].

- توحید سرآغاز عمل صالح است و شرط قبولی عمل: زیرا الله
 سبحانه و تعالی هیچ عملی یا عبادتی را نمی‌پذیرد مگر اینکه دو شرط
 در آن موجود باشد: اخلاص برای الله یکتا و پیروی و موافقت با
 شریعت، چنانکه الله تعالی فرموده است:

﴿...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾

(پس هر کس به دیدارِ پروردگارش [در آخرت] امید دارد، باید کار شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادتِ پروردگارش شریک نسازد). [الکھف: ۱۱۰].

و در حدیث آمده است: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشِّرْكِ، مَنْ عَمِلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكْتُهُ وَشِرْكُهُ»، «الله تبارک و تعالی فرموده است: من بی نیازترین شریکان از شرک هستم؛ هرکس عملی را انجام دهد که در آن دیگری را با من شریک سازد، او و شرکش را رها می کنم». به روایت مسلم.

- و هر عملی که به توحید مرتبط نباشد؛ هیچ وزنی ندارد، الله متعال می فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزْنًا﴾

(آنان کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و دیدارِ او [در

آخرت] کافر شدند؛ پس کارهایشان تباه گشت و روز قیامت [هیچ قدر و] ارزشی برایشان قائل نمی شویم). [کهف: ۱۰۵].

- توحید حقی است که الله عز و جل بر بندگانش واجب کرده است، که اگر آن را خالصانه بیاورند، رستگار می شوند و اگر با شرک آمیخته شود، هلاک می گردند، الله تعالی فرموده است:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۱۰)

(به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: «اگر شرک بورزی، [پاداش] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد). [الزمر: ۶۵].

و در حدیث معاذ رضی الله عنه آمده است: «فَإِنَّ حَقَّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَحَقَّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ: أَنْ لَا يُعَذِّبَ مَنْ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» «حق الله بر بندگان این است که او را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نیاورند، و حق بندگان بر الله این است که کسی را که چیزی به او شریک قرار نداده عذاب ندهد.» به

روایت بخاری و مسلم.

- توحید گناهان و خطاها را پاک می کند، چنانکه در حدیث قدسی آمده است: «يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا [أي: بمثلها وما يُقاربها]، ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً» ای فرزند آدم، اگر درحالی به سوی من بیایی و با من ملاقات کنی که به پُری زمین گناه کرده ای، ولی هیچ چیز و هیچ کس را شریکم نساخته باشی، من با همین اندازه مغفرت به نزدت خواهم آمد». به روایت ترمذی؛ و آن را برای غیر او، البانی حسن دانسته است.

- توحید دروازه بهشت است که هیچ کس جز از آن وارد بهشت نمی شود. و هرکس به الله متعال شرک بورزد، این دروازه را بسته است، همان طور که الله متعال فرموده است:

﴿...إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَهُ النَّارُ...﴾

(بی تردید، هر کس به الله شرک ورزد، الله بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاهش دوزخ است). [المائدة: ۷۲].

الله متعال شرک را نمی‌بخشد اگر صاحبش بر آن بمیرد، چنانکه
الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾

(بی‌گمان، الله این گناه را که به او شرک آورده شود نمی‌بخشد
و غیر از آن را - برای هر کس بخواهد - می‌بخشد...). [النساء: ۴۸].

و در حدیث آمده است: «مَنْ لَقِيَ اللَّهَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ،
وَمَنْ لَقِيَهُ يُشْرِكُ بِهِ دَخَلَ النَّارَ»، «هرکس درحالی به دیدار الله برود که
چیزی را با او شریک نیاورده باشد، وارد بهشت می‌شود و کسی که
به دیدار او برود درحالی که به او شرک آورده، وارد دوزخ می‌شود».
به روایت مسلم.

- و توحید همان است که صاحبش را از جاودانگی در دوزخ باز
می‌دارد، اگر در قلب او به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی از آن باشد، چنانکه
در حدیث آمده است: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ» «همانا الله، آتش دوزخ را بر کسی که لا اله الا
الله را برای خشنودی الله بگوید، حرام کرده است». به روایت

بخاری و مسلم.

- توحید خالص آن است که امنیت کامل را در دنیا و آخرت به بار می آورد، خداوند می فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾

(کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را به [هیچ] شرکی نیالوده اند، آناند که امنیت [و آرامش] دارند و رهیافتگانند).
[الأنعام: ۸۲]

- و با توحید، شفاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم حاصل می شود، چنان که در حدیث آمده است: «أَسْعَدُ النَّاسِ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ»، «بهره مندترین مردم به شفاعت من در روز قیامت: کسی است که خالصانه از دل یا نفس خود لا اله الا الله بگوید» به روایت بخاری.

- و توحید همان راهی است که تمام این جهان، چه جان داران و چه بی جانان، بر آن حرکت می کند، همه در برابر خداوند با توحیدش

خاضع اند و به تسبیح او مشغول اند، چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾

(آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس در آنهاست او را به پاکی می‌ستایند؛ و هیچ چیز نیست مگر آنکه او را به پاکی یاد می‌کند؛ ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید. بی‌تردید، او همواره بردبار [و] آمرزنده است). [الإسراء: ۴۴].

خلاصه اینکه کلمه ی توحید همانطور که امام ابن قیم رحمه الله در کتاب "زاد المعاد" می‌گوید: "کلمه ای است که زمین و آسمان ها به وسیله آن برپا شده اند، و تمام مخلوقات به خاطر آن آفریده شده اند، و به وسیله آن الله متعال پیامبرانش را فرستاده، و کتاب هایش را نازل کرده، و شرایعش را تشریع نموده است.

و به خاطر آن است که ترازوها نصب شده و دیوان‌ها گذاشته شده

و بازار بهشت و دوزخ برپا گردیده است؛ و به واسطه‌ی آن، خلاق به مؤمنان و کافران و نیکوکاران و بدکاران تقسیم شده‌اند؛ توحید سرمنشأ آفرینش و دستورات الهی و ثواب و عقاب است، و آن حقی است که مخلوقات برای آن آفریده شده‌اند، و درباره‌ی آن و حقوقش پرسش و حساب خواهد بود، و بر اساس آن ثواب و عقاب واقع می‌شود، و تعیین قبله و پایه‌گذاری دین بر اساس آن بوده و به خاطر آن شمشیرهای جهاد از غلاف بیرون کشیده شده است؛ و توحید حق الله بر همه‌ی بندگان است، که همان کلمه‌ی اسلام و کلید بهشت است.

و درباره‌ی آن از پیشینیان و پسینیان پرسیده می‌شود، و گام‌های بنده در پیشگاه الله از جا تکان نمی‌خورد تا آنکه درباره‌ی دو مسئله از او پرسیده شود: چه چیزهایی را عبادت می‌کردید؟ و به پیامبران چه پاسخی دادید؟ پاسخ نخست با محقق شدن «لا إله إلا الله» از طریق شناخت، اقرار و عمل، و پاسخ دوم با تحقق «أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به شناخت و اقرار و انقیاد و اطاعت داده می‌شود.

ارکان ایمان شش مورد است:

بدان ای مسلمان موحد که ایمان بر شش رکن استوار است و ایمان جز با این ارکان کامل نمی‌شود؛ اگر یکی از این ارکان از بین برود، انسان به هیچ وجه مؤمن نخواهد بود؛ زیرا یکی از ارکان ایمان را از دست داده است.

این ارکان همان‌هایی هستند که در حدیث مشهور جبرئیل علیه السلام آمده است، وقتی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: «فَاخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» «پس مرا از ایمان آگاه ساز، [پیامبر صلی الله علیه وسلم] فرمود: این که به الله و ملائکه‌اش و کتاب‌هایش و پیامبرانش و روز آخرت ایمان بیاوری و به قدر - خیر آن و شر آن - ایمان بیاوری». به روایت مسلم.

ایمان به الله

ما به ربوبیت الله تعالی ایمان داریم؛ یعنی به اینکه او پروردگار، آفریدگار، مالک و تدبیرگر همه امور است.

و ایمان داریم به الوهیت الله متعال؛ یعنی اینکه او معبود به حق است؛ پس هیچ معبود بر حق جز الله نیست و هر معبودی جز او باطل است.

و به نامها و صفات او باور داریم؛ یعنی آنکه او دارای نامهای نیک و صفات کامل والا است.

و ایمان داریم به اینکه او تعالی در همه اینها یگانه است، یعنی آنکه در ربوبیت، و در الوهیت، و در نامها و صفاتش هیچ شریک و همتایی ندارد.

الله متعال می‌فرماید:

﴿رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾^(۶۵)

[همان] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست؛ پس او را عبادت کن و بر عبادتش شکیا [و پایدار] باش. آیا [همانند و] همنامی [برایش می‌شناسی؟]. [مریم: ۶۵].

و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

(هیچ چیز همانند الله نیست و همو شنوا و بیناست). [الشوری:

۱۱].

و ایمان داریم به این که او تعالی بر عرش خود مستوی است، احوال ما را می داند، و سخنان ما را می شنود، و کارهای ما را می بیند، و امور ما را تدبیر می کند؛ فقیر را روزی می دهد و دلشکسته را التیام می بخشد، فرمانروایی را به هر کس که بخواهد می دهد، هر که را بخواهد عزت می دهد و هر که را بخواهد خوار می سازد، خیر به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

و هر کس که چنین شأنی دارد، او سبحانه با معیت خاص خود با بندگان و اولیای مؤمنش آن‌ها را یاری می کند و نصرت می دهد و با معیت عام خود بر همهٔ خلقتش و احوال آنان مطلع است و گفتارش را می شنود و از آنچه در سینه‌هایشان می گذرد اطلاع دارد و غیره، و او سبحانه بالای عرش خود است همان گونه که دربارهٔ خود خبر داده است:

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾

(پروردگار) رحمان [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست]
بر عرش قرار گرفت). [طه: ۵]، و چنانکه شایسته جلال او سبحانه
است:

﴿...لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

هیچ چیز همانند الله نیست و همو شنوا و بیناست. [الشوری:
۱۱].

و ایمان داریم که هر نام و صفتی که الله برای خود ثابت نموده
یا پیامبرش - صلی الله علیه وسلم - برای او اثبات نموده برایش ثابت
است، و از دو امر ممنوع بزرگ تبری می جوئیم؛ که عبارتند از:
تمثیل: یعنی آنکه با دل یا زبانش بگوید که صفات الله تعالی
مانند صفات آفریدگان است.

تکییف: یعنی آنکه با دل یا زبانش بگوید که کیفیت صفات الله
چنین و چنان است.

و ایمان داریم به نفی هر آنچه الله از خود نفی نموده یا پیامبرش صلی الله علیه وسلم آن را از الله نفی نموده، و اینکه این نفی دربر دارنده اثبات کمالی است ضد آن؛ الله ظلم را از خود نفی کرده است به دلیل کمال عدلش، و از آنچه الله و پیامبرش درباره اش سکوت کرده اند، سکوت می کنیم.

ایمان به ملائکه

ایمان داریم به ملائکه الله متعال، و به اینکه آنان:

﴿...عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿٣٦﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٣٧﴾﴾

(بندگان گرامی [اش] هستند. آنان هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند و [پیوسته] به فرمانش عمل می کنند). [انبیاء: ۲۶-۲۷].

الله آنان را از نور آفریده و آنان نیز به عبادت او مشغولند و به طاعت او گردن نهاده اند، خداوند متعال فرموده است:

﴿...لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْترُونَ ﴿٢٠﴾﴾

(از عبادتش سرکشی نمی کنند و خسته نمی شوند. آنان شب و روز [الله را] به پاکی می ستایند و سستی نمی ورزند). [الأنبياء: ۱۹-۲۰].

الله آنان را از دیدگان ما پنهان نموده، پس آنان را نمی بینیم، اما شاید آنان را برای برخی از بندگان آشکار سازد.

و ایمان داریم که ملائکه وظایفی دارند که به آن مکلف شده اند: از جمله جبرئیل که مامور وحی است، و آن را از نزد الله بر هر یک از پیامبران و رسولانش که بخواهد می رساند.

و از جمله آنان میکائیل است که مامور باران و رویندگی هاست. و از آنان اسرافیل است که مأمور دمیدن در صور به هنگام از هوش رفتن مردمان و سپس رستاخیز آنان است.

و همچنین فرشته مرگ که موکل به قبض ارواح بندگان به هنگام مرگ است.

و از جمله آنان فرشته کوه ها است که مامور کوه هاست.

و از جمله آنان فرشتگان موکل به جنینها در رحم هستند، و

دیگرانی که موکل به محافظت از انسانها هستند، و دیگرانی که موکل به نوشتن اعمال بندگان هستند، و برای نوشتن اعمال هر بنده دو فرشته هست، خداوند تعالی فرموده است:

﴿...عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾﴾

(...بر سمت راست و چپ مراقب نشسته‌اند. هر سخنی که بر زبان می‌آورد، [فرشته] مراقبی در کنار او آماده است [و آن سخن را می‌نویسد]). [ق: ۱۷-۱۸].

و دیگرانی که موکل هستند پس از دفن میت از او بپرسند.

ایمان به کتاب‌های آسمانی

ایمان داریم که الله تعالی کتاب‌هایی را بر پیامبرانش نازل نموده، که حجتی است برای جهانیان و دستور العملی است برای عاملان. ایمان به همه‌ی آنها واجب است و کفر به یکی از آنها؛ کفر به همه‌ی آنهاست؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿عَٰمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ عَٰمَنَ بِاللَّهِ

وَمَلَكَيْتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

(رسول [الله] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [نیز] همگی به الله و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند؛ [و رسول و مؤمنان گفتند]: «میان هیچ‌یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم [و به همه شان ایمان داریم]. و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آمرزش تو را [خواه‌انیم] و بازگشت [تمام امور] به سوی توست»». [بقره: ۲۸۵].

الله تعالی همراه با هر رسولی کتابی فرستاده؛ او تعالی می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ
الْأَنَاسُ بِالْقِسْطِ...﴾

(در حقیقت، ما پیامبران خویش را با نشانه‌های روشن فرستادیم و کتاب و میزان [تشخیص حق از باطل،] با آنان نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند...). [الحديد: ۲۵].

از جمله این کتب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تورات: که الله تعالی آن را بر موسی - علیه السلام - نازل کرد، و این بزرگترین کتاب بنی اسرائیل است، الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ...﴾

(به راستی ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نور است...). [مائده: ۴۴]

و انجیل: که الله تعالی آن را بر عیسی - علیه السلام - نازل کرد، و تاییدکننده تورات و کامل کننده آن است، الله تعالی فرمود:

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾

(و به دنبال آنان [= پیامبران بنی اسرائیل] عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق کننده تورات بود که پیش از او فرستاده بودیم؛ و انجیل را که در آن هدایت و نور بود به او دادیم که تصدیق کننده

تورات پیش از وی بود و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران بود).
[المائدة: ٤٦].

و زبور: که الله تعالی به داوود - علیه السلام - عطا کرد، خداوند
متعال فرموده است:

﴿...وَعَاتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا﴾

(و به داوود زبور دادیم). [الإسراء: ٥٥].

و صحیفه‌های ابراهیم و موسی علیهما الصلاة و السلام، خداوند
متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾﴾

(به راستی این [پندها] در کتاب‌های آسمانی پیشین [نیز] بود؛

کتاب‌های ابراهیم و موسی). [الأعلى: ١٨-١٩].

قرآن عظیم: که الله بر پیامبرش محمد، خاتم پیامبران ﷺ نازل
کرد؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿...هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...﴾

(...راهنمای مردم است و دلایل آشکاری از هدایت [با خود دارد] و جداکننده [حق از باطل] است...). [بقره: ۱۸۵] کتابی که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست؛ الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ...﴾

(و [ای پیامبر، ما این] کتاب را به حق بر تو نازل کردیم [که] تصدیق کننده کتاب‌های پیشین و نگهبان و گواه بر آنهاست...). [المائدة: ۴۸].

الله با آن همه شرایع پیشین را نسخ نمود، و خود حفظ آن را از دستبرد بیهوده کاران و انحراف اهل تحریف بر عهده گرفت؛ الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾﴾

(به راستی که ما خود، قرآن را نازل کردیم و قطعاً خودمان نیز

نگهبان آن [از هر گونه تبدیل و تحریفی] هستیم. [حجر: ۹]. زیرا
این قرآن تا روز قیامت حجتی بر همه جهانیان خواهد بود.

اما باقی کتب پیشین مدت دار بودند و با نزول آنچه آن را نسخ
می نمود مدت آن به پایان می رسید؛ و الله حفظ آنها را به علمای شان
و راهبان شان سپرد اما آنها را حفظ نکردند؛ و دچار تحریف و کم و
زیاد شدند؛ چنانکه می فرماید:

﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...﴾

(برخی از یهود، کلمات [الله] را از جای خود تحریف
می کنند...). [سوره نساء: ۴۶]، و الله متعال می فرماید:

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ لَيْشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ
مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾ (۷۹)

(پس وای بر کسانی که [کتابی تحریف شده] با دست خود
می نویسند، سپس می گویند: «این از جانب الله است» تا آن را به
بهای اندک بفروشند! پس وای بر آنها از آنچه دست هایشان نوشته

است و وای بر آنان از آنچه [از این راه] به دست می آورند!]. النساء: ۷۹].

ایمان به پیامبران

ایمان داریم که الله تعالی پیامبرانی از بشر را به سوی خلقش فرستاده است؛ الله متعال می فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾

(پیامبرانی [فرستادیم] که بشارت بخش و بیم دهنده بودند تا برای مردم پس از [بعثت] پیامبران، در مقابل الله [هیچ بهانه و] حجتی نباشد؛ و الله همواره شکست ناپذیر حکیم است). [النساء: ۱۶۵].

و هرکس به یک پیامبر کفر بورزد، درحقیقت به همه‌ی پیامبران کفر ورزیده است؛ زیرا بین پیامبری و پیامبر دیگر تفاوتی نیست، چرا که دعوتشان یکی است و آن عبادت الله یگانه است. پس هر کس انکار کند که رسالت محمد صلی الله علیه وسلم برای همه‌ی مردم است، به همه‌ی پیامبران کافر شده است، حتی به همان پیامبری که

ادعا می کند به او ایمان دارد و از او پیروی می کند؛ زیرا الله متعال می فرماید:

﴿...لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ...﴾

(میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی گذاریم). [بقره: ۲۸۵]، و به دلیل این فرموده خداوند:

﴿...لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ...﴾

([میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم]). [بقره: ۱۳۶] یعنی: بلکه به همه آنها ایمان داریم؛ و در این فرموده خداوند درنگ کن:

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾

(قوم نوح، پیامبران را دروغگو انگاشتند). [الشعراء: ۱۰۵]؛ و آنان را تکذیب کننده همه رسولان دانست، با اینکه پیش از نوح پیامبری نیامده بود!

و الله متعال می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ

وَرُسُلِهِۦ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا
 بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
 عَذَابًا مُّهِينًا ﴿١٥١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ
 أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمُ أَجُورُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٥٢﴾

(کسانی که به الله و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان
 الله و پیامبرانش جدایی اندازند و می‌گویند: «ما به بعضی ایمان
 داریم و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در این [میان، بین
 کفر و ایمان برای خود] راهی برگزینند.

آنان به راستی کافران و ما برای کافران عذابی خفت‌بار مهیا
 کرده‌ایم.

و کسانی که به الله و پیامبرانش ایمان آورده‌اند و میان هیچ یک
 از آنان تفاوت نمی‌گذارند، به زودی [الله] پاداششان را عطا می‌کند
 و الله همواره آمرزندهٔ مهربان است). [النساء: ۱۵۰-۱۵۲].

و ایمان داریم که نخستین آنها نوح، و آخرینشان محمد است،

درود و سلام الله بر همه آنان باد.

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ...﴾

(ای پیامبر، بی تردید، ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم...). [النساء: ۱۶۳].

و اینکه بهترین آنها محمد، سپس ابراهیم، سپس موسی، سپس نوح و عیسی بن مریم هستند، یعنی همان کسانی که در این آیه به شکل خاص ذکر شده اند:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۗ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۖ﴾

(و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که از پیامبران پیمان [عبادت الله به یگانگی و نبوت] گرفتیم و [به ویژه] از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی - پسر مریم؛ و از [همه] آنان پیمان محکمی [درباره تبلیغ دین] گرفتیم). [الأحزاب: ۷].

و ایمان داریم که همه پیامبران انسان و مخلوق هستند و هیچیک

از ویژگی‌های ربوبیت را ندارند، همگی بندگان از بندگان الله تعالی هستند که الله آنان را با رسالت گرامی داشته و به عبودیت وصف نموده است. الله تعالی به محمد ﷺ که آخرین و برترین آنان است، امر فرمود که بگوید:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ...﴾

[ای پیامبر،] بگو: «من مالکِ سود و زیان خویشتم نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد...». [الأعراف: ۱۸۸].

ایمان به روز بازپسین (آخرت)

و ایمان داریم به روز آخرت، یعنی روز قیامت که روزی پس از آن نیست، آنگاه که مردم زنده برانگیخته می‌شوند تا برای همیشه بمانند، یا در سرزمین خوشی ابدی و یا در سرزمین عذاب دردناک. ما به رستاخیز؛ یعنی زنده کردن مردگان توسط الله متعال، آنگاه که اسرافیل برای دومین بار در صور می‌دمد ایمان و باور داریم:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾

[در آستانه قیامت،] در «صور» دمیده می‌شود؛ آنگاه هر کس که در آسمان‌ها و در زمین است، مدهوشِ مرگ خواهد شد - مگر کسی که الله بخواهد؛ آنگاه بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ناگهان [همه از مرگ] برمی‌خیزند و چشم‌به‌راه [فرمان پروردگار] هستند).
[الزمر: ۶۸]. آنگاه مردم از قبرهایشان برانگیخته پابرنه و بی کفش و عریان و بی لباس و ختنه نشده، به سوی پروردگار جهانیان می‌شتابند.

﴿...كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾

[و] همان گونه که نخستین [بار] آفرینش را آغاز کردیم، [بار دیگر] آن را باز می‌گردانیم. [این] وعده‌ای است بر عهده ما که قطعاً انجامش خواهیم داد). [الأنبياء: ۱۰۴].

و به نامه‌های اعمال ایمان داریم که به دست راست اهل ایمان یا از پشت سر به دست چپ کافران داده می‌شود؛ الله متعال می‌فرماید:

﴿وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿٣٢﴾ أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ

و [سرنوشت] رفتار هر انسانی را [تا لحظه حسابرسی] در گردش بسته‌ایم و روز قیامت نوشته‌ای برایش بیرون می‌آوریم که آن را گشوده می‌بیند.

[به او می‌گوییم:] «نامه‌ات را بخوان. کافی است که امروز خود حسابگر خویش باشی». [الإسراء: ۱۳-۱۴] و الله متعال می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۖ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ﴿١١﴾ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾﴾

(و اما کسی که نامه [اعمال] او به دست راستش داده شود، به زودی به حسابی آسان، محاسبه می‌شود. و شادمان به سوی خانواده‌اش بازمی‌گردد؛ و اما کسی که نامه [اعمال] او از پشت سرش به او داده شود. به زودی نابودی خود را خواهد طلبید. و به [آتش] جهنم شعله‌ور در خواهد آمد). [الإنشقاق: ۷-۱۲].

و به ترازوهایی باور داریم که در روز قیامت نهاده می‌شوند، بنابراین به کسی ستم روا داشته نمی‌شود؛ چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿وَنَضْعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾^(۴۷)

(روز قیامت، ما ترازوهای عدل را [برای حسابرسی در میان] می‌نهم؛ آنگاه به هیچ کس [کمترین] ستمی نمی‌شود؛ و اگر [کردارشان] همسنگ دانه خردلی باشد، آن را [به حساب] می‌آوریم؛ و کافی است که ما حسابرس باشیم). [الأنبياء: ۴۷]، و الله متعال می‌فرماید:

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۴۸) وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾^(۴۹)

(و هر کس کفه میزان [اعمال] وی سنگین باشد، آنان رستگارانند. و هر کس کفه میزان [اعمال] وی سبک باشد، آنانند که به خویش زیان زده‌اند [و] در دوزخ جاودانند). [المؤمنون:

و به شفاعت بزرگ که تنها مخصوص رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است، در فیصله کردن داوری میان خلائق و در وارد شدن اهل بهشت به بهشت، و به دیگر انواع شفاعت‌ها مانند شفاعت برای بیرون آوردن آن دسته از مؤمنان که وارد دوزخ شده‌اند، باور داریم، و این شفاعت هم برای پیامبر صلی الله علیه وسلم است هم برای دیگر پیامبران و مؤمنان و فرشتگان.

و به حوض و به پلی که بر روی جهنم زده شده ایمان داریم، و باور داریم که مردم بر اساس اعمال خود از آن می‌گذرند.

و ایمان داریم به هر آنچه در کتاب و سنت درباره آن روز و هولناک بودنش آمده است، از خداوند می‌خواهیم ما را در آن روز یاری دهد؛ و ایمان داریم که هم‌اکنون بهشت و دوزخ موجود هستند و هرگز نابود نخواهند شد؛ زیرا بهشت سرای نعمت است که الله تعالی برای مؤمنان پرهیزگار آماده کرده است، و دوزخ سرای عذاب است که الله تعالی برای کافران ستمگر آماده کرده است. الله متعال درباره عذاب آل فرعون در قبر و آخرت می‌فرماید:

﴿...وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا
وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾﴾

(و عذاب سخت، دامنگیر فرعونیان شد. همان آتشی که [در
قبرهایشان] بامداد و شامگاه بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که
قیامت برپا گردد، [فرمان می‌رسد که:] «فرعونیان را در سخت‌ترین
عذاب درآورید.»). [غافر: ۴۵-۴۶] و الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾﴾

(یقیناً پیش از عذاب بزرگ [آخرت]، از عذاب نزدیک [و
سختی‌های این دنیا] به آنان می‌چشانیم؛ باشد که [به درگاه الهی]
بازگردند). [سجده: ۲۱].

بنابراین بر مؤمن واجب است که به هر یک از این امور غیبی که
در قرآن و سنت آمده ایمان آورد، و بر اساس آنچه در دنیا می‌بیند با
آن مخالفت نکند، زیرا امور آخرت را بر اساس امور دنیا قیاس
نمی‌کنند چرا که تفاوت بین این دو بسیار بزرگ است.

ایمان به قَدَر، خیر و شر آن

به قَدَر، خیر و شر آن ایمان می‌آوریم، و آن تقدیر الله تعالی برای کائنات است چنانکه در علمش گذشته و حکمتش اقتضا کرده است.

و قَدَر چهار مرتبه دارد:

علم: ما ایمان داریم که الله تعالی به همه چیز آگاه است، به آنچه بوده و آنچه خواهد بود و چگونه خواهد بود، او خدای سبحان و الوامرتبه است.

کتابت: ما ایمان داریم که الله تعالی هر آنچه تا روز قیامت خواهد شد را در لوح محفوظ نوشته است؛ الله تعالی می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ
إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

(آیا ندانسته‌ای که الله آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟
بی‌گمان [همه] اینها در کتابی = [لوح محفوظ، ثبت] است. مسلماً
این [کار،] بر الله آسان است). [الحج: ۷۰].

مشیت: ما ایمان داریم که هیچ چیزی جز به مشیت الله رخ نمی‌دهد، هر آنچه الله بخواهد می‌شود و آنچه نخواهد نمی‌شود، الله متعال می‌فرماید:

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ...﴾

(و پروردگارت هر چه بخواهد می‌آفریند و [هر کس را بخواهد به عبادت و پیامبری] برمی‌گزیند...). [قصص: ۸۶]

آفرینش: و ایمان داریم که الله خالق همه چیز است؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾

(الله آفریدگار هر چیزی است و او تعالی بر همه چیز [نگهبان و] کارساز است. کلید گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن اوست...). [الزمر: ۶۲-۶۳].

هر آنچه از بندگان صادر می‌شود، چه قول باشد و چه فعل و چه

ترک و انجام ندادن چیزی باشد، الله آن را می‌داند و نزد او نوشته شده، و الله تعالی آن را اراده کرده و آفریده است.

اما با این حال اعتقاد داریم که الله تعالی برای بنده اختیار و قدرتی قرار داده که کارش با آن رخ می‌دهد؛ بنابراین تقدیر الهی هیچ توجیهی برای گناه گنهکار نیست؛ زیرا گناهکار بنابر اختیارش مرتکب گناه می‌شود، بدون آنکه بداند الله تعالی این را برای او مقدر کرده یا خیر، زیرا کسی از تقدیر الله باخبر نمی‌شود مگر پس از وقوع آن، چنانکه الله تعالی فرموده است:

﴿...وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا...﴾

(... و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد...) [سوره لقمان: ۳۴].

از الله تعالی خواهیم که به ما توفیق کسب علم و عمل به آن عنایت کند، و آنچه را که به ما آموخته است سودمند گرداند و بر علم ما بیفزاید، و دینمان را حفظ کند، و اعمال صالح ما را بپذیرد، و ما را از لغزش‌ها دور نگه دارد، آمین.

والحمد لله رب العالمين.

و درود و سلام الله بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحابشان باد.



فهرست

عقیده صحیح	۲
ارکان ایمان شش مورد است:	۱۶
ایمان به الله	۱۶
ایمان به ملائکه	۲۰
ایمان به کتاب‌های آسمانی	۲۲
ایمان به پیامبران	۲۸
ایمان به روز بازپسین (آخرت)	۳۲
ایمان به قَدَر، خیر و شر آن	۳۸





رسالة الحرمين

پیام الحرمين

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبان های مختلف

